آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده
۱۳۹۸، ۵، ۱ (پیاپی ۹): ۱۵۴-۱۳۹

Family Pathology, Counseling & Enrichment
2019. Vol. 5, N. 1 (9), 139-154

نقش بی‌رمقی زناشویی، بی‌ثباتی زناشویی و نارسایی شناختی در پیش‌بینی میل به طلاق زوجین

The role of marital burnout, marital instability, and cognitive failure in predicting tendency to divorce in couples

متین یوسفی مریدانی *
حسین فلاحیان **
نیلوفر میکاییلی ***

Matin yousefi Moridani
Hossein Fallahian
Nilofar Mikaeli

چکیده

ازآنجاکه خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه و منشأ جامعه‌ی سالم است، وارد شـــدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن از امور مهم و شـــایســـته‌ی کنکاش تحقیقات اســـت. هدف این مطالعه بررســـی نقش بی‌رمقی زناشویی، بی‌ثباتی زناشویی و نارسایی شناختی در پیش‌بینی میل به طلاق زوجین بود. پژوهش از نوع توصـــیفی – همبســـتگی و جامعه آماری شـــامل ۱۲۰ نفر زن و ۱۲۰ نفر مرد در ســـال ۱۳۹۸ بود. جهت گردآوری داده‌ها از پرســـشـــنامه‌های مقیاس بی‌رمقی زناشـــویی پاینز (۱۹۹۶)، بی‌ثباتی ازدواج ادواردز، جانســـون و آلن (۱۹۸۷)، پرســـشـــنامه نارســـایی‌های شـــناختی برادبنت، کوپر، فیتزجرالد و پارکز (۱۹۸۲) و پر سشنامه میل به طلاق روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶) ا ستفاده شد. نتایج نشان داد که بین طلاق و بی‌رمقی زناشویی (P<۰/۰۱؛ r=۰/۸۶) و بین طلاق و بی‌ثباتی ز ناشـــویی (P<۰/۰۱؛ r=۰/۷۹) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، ولی بین طلاق و نارســـایی شـــناختی (P<۰/۰۱؛ r=۰/۰۰۶) رابطه‌ای برقرار نیســـت. نتایج ضـــریب رگرســـیون نیز نشـــان می‌دهد بی‌رمقی زناشـــویی (t=۲۶/۶۷؛ p<۰/۰۱) و بی‌ثباتی زناشـــویی (t=۱۹/۸۹؛ p<۰/۰۱) می‌توانند طلاق را پیش‌بینی کنند، ولی نارســـایی شـــناختی (t=۰/۱۱؛ p<۰/۰۱) قادر به پیش‌بینی طلاق نیســـت. ازاین‌رو با توجه به یافته‌های پژوهش از کاهش بی‌رمقی و افزایش ثبات زناشـــویی می‌توان برای غنی‌ســـازی روابط بین فردی همســـران و کاهش میل به طلاق استفاده کرد.

واژگان کلیدی: *بی‌رمقی زناشویی، بی‌ثباتی زناشویی، نارسایی شناختی، طلاق*

abstract

Whereas, the family is the most important institution of society and the source of a healthy society, any comedown and deterioration into this institution and its functions are important and worthy of research. The purpose of this study was to investigate the role of marital burnout, marital instability and cognitive failure in predicting couples' desire for divorce. The study was descriptive-correlational and the statistical population consisted of 120 women and 120 men in 2019. To collect data used from the Painter's Marital burnout Scale (CBM) questionnaires (1996), Marriage Instability (MLL) John Ann. Edwards, David R. Johnson, and Allen (1987), Bradbent, Cooper, FitzGerald, and Parks (1982) Cognitive Failure Questionnaire and Roosevelt, Johnson, and Moreau (1986) Millennial Divorce Questionnaire. The results showed that a positive and significant relationship between divorce and marital burnout (r = 0.86> P <0.01), and between divorce and marital instability (r = 0.79, P <0.01), But there was no relationship between divorce and cognitive failure (r = 0.006 P <0.01). The results of regression coefficient also show that marital burnout (p <0.01 t = 26.67) and marital instability (p <0.01 t = 19.89) can predict divorce, but Cognitive failure (p <0.01 t = 0.11) is not able to predict divorce. Therefore, according to the findings of the study, decreasing burnout and increasing marital stability can be used to enrich spouses' interpersonal relationships and reduce their desire for divorce.

Key words: *marital burnout, marital instability, cognitive failure, divorce*

*. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
. **نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی (مدرس دانشگاه آزاد اسلامی)، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
h.fallahian.au@gmail.com
***. استاد روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

مقدمه

بیشتر جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید کرده‌اند و شاید هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نتواند ادعای سلامت کند و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده باشد؛ بنابراین ازآنجاکه خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه و منشأ جامعه-ی سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن از امور مهم و شایسته‌ی کنکاش تحقیقات است. خانواده در صورتی می‌تواند به کارکردهای اصلی خود یعنی جامعه‌پذیری و فرهنگ-پذیری و انتقال فرهنگ بپردازد که دارای محیطی آرام و سرشار از الفت و دوستی باشد هدفی که خانواده پرتنش و مضطرب قادر به انجام چنین وظایف مهم و سنگینی نخواهد بود. خانواده متزلزل با اختلال در عملکرد روبروست و درواقع نظام معیوبی است که اعضای خود را با خطرات زیادی روبرو می‌سازد. بستگان، دوستان و نزدیکان نیز از تأثیرات این پدیده در امان نمی‌مانند؛ آنان نیز از این پدیده نامبارک تأثیر می‌پذیرند. خانواده سالم عامل زیربنایی در سلامت آینده جامعه و نیازمند راه‌کارهایی برای اصلاحات اجتماعی و فرهنگی است (زارعان، سدیدپور؛ ۱۳۹۶). یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانواده طلاق است؛ درحالی‌که امروزه بیشتر ازدواج‌ها با عشق تحقق می‌یابد و هر دو طرف قصد دارند به یکدیگر و تعهداتشان در مقابل هم احترام بگذارند، اما در طول زمان مسائلی پیش می‌آید که می‌تواند به جدایی، یا یک زندگی مشترک بدون احساس، عشق و همراهی منجر شود. برخی کارشناسان بر این باورند که فرایند طلاق در بیشتر مواقع این سیر بروز اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آن‌ها، بی‌میلی یکی از زوجین به‌طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیری‌ها، طلاق عاطفی و طلاق قانونی را طی می‌کند (میمندی، مداحی، کریمی، حدت و غروری؛ ۱۳۹۵). عوامل متعددی می-تواند بر روند طلاق تأثیر به‌سزایی داشته باشد ازجمله: خیانت، دخالت اطرافیان، عدم مهارت‌های ارتباطی، مشکلات اقتصادی، اعتیاد، عدم بلوغ عاطفی و فکری، مشکلات شدید شخصیتی و روانی، تفاوت‌های فردی و فرهنگی، افزایش توقعات، انحرافات و نارضایتی جنسی را می‌توان نام برد. میزان تمایل و علاقه-مندی زوجین به جدا شدن و گسستن روابط زناشویی طی مراحل قانونی است، این مفهوم دارای سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است. مروری بر وضعیت طلاق در ایران در سال‌های اخیر نشان‌دهنده سیر صعودی رشد آن است. اگرچه در خصوص شاخص آماری نسبت طلاق به ازدواج باید با احتیاط برخورد کرد؛ بااین‌حال افزایش نرخ طلاق در جوامع امروزی پدیده مسلمی است؛ در همین زمینه اندیشمندان حوزه‌ی علوم اجتماعی و محققان جمعیتی تلاش می‌کنند تا عوامل مسبب تداوم و یا گسستگی ازدواج و وقوع طلاق را شناسایی کنند. مرور مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که عوامل متعددی در انحلال ازدواج

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

اثرگذارند که می‌توان به ویژگی‌های فردی از قبیل نگرش‌های مذهبی، سطح تحصیلات، سن در اولین ازدواج، محل سکونت، فاصله‌ی سنی بین زوجین، وضع اشتغال زوجین و نقش‌های جنسیتی در حال تغییر اشاره کرد.

یکی از آسیب‌هایی که بنیان خانواده امروز را تهدید می‌کند، بروز بی‌رمقی زناشویی[1] است. بررسی روان‌شناختی بی‌رمقی در روابط زناشویی، رویکردی چندجانبه است که مزایای رویکردهای روان‌پویایی نظام‌مند و رفتاری را با مزیت‌های دورنمای رویکردهای روانی-اجتماعی و وجودی در هم می‌آمیزد. روان-شناسی بی‌رمقی زناشویی به‌جای این‌که روی آسیب‌شناسی فرد یا زوج تکیه کند، بر روند درازمدت و فرسایشی ضعیف روابط تأکید دارد، به‌خصوص زمانی که شخص سعی می‌کند با روابط نزدیکش برای خود معنای وجودی پدید آورد (پور اسماعیلی، ۱۳۹۴). بی‌رمقی زناشویی حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و کسانی را متأثر می‌سازد که توقع دارند عشق رؤیایی و ازدواج به زندگی آن‌ها معنی ببخشد (پریسوتی و باراکا[2]، ۲۰۱۳). پاینز[3] (پیرفلک، سودانی و شفیع‌آبادی، ۲۰۱۴) مؤلفه‌های بی‌رمقی زناشویی را در سه بعد جداگانه اما مرتبط با هم، شامل خستگی جسمانی، ازپاافتادگی روانی و ازپاافتادگی عاطفی مشخص کرده است. بی‌رمقی با علائمی از قبیل از پا درافتادن جسمی و نشانگانی مانند احساس خستگی، کسالت، بی‌حالی، سردردهای مزمن، دردهای شکمی، کم‌اشتهایی و پرخوری را به دنبال دارد. از پا درافتادن عاطفی با احساس آزردگی، عدم تمایل به حل مشکلات، ناامیدی، غمگینی، احساس تهی بودن، بی‌معنایی، افسردگی، احساس بی‌کسی، احساس بی‌انگیزگی، در دام افتادگی، بیهودگی، آشفتگی عاطفی و حتی انگیزه‌های خودکشی مشخص می‌شود (ویتاکر و کیت[4]، ۲۰۱۷) و از پا درافتادگی روانی که به شکل کاهش خودباوری، نظر منفی نسبت به همسر، احساس یأس و سرخوردگی نسبت به همسر، ناکامی در مورد خود و دوست‌نداشتن خود مشخص می‌شود (پاینز، ۱۹۹۶).

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در طلاق زوجین بی‌ثباتی زناشویی است. این اصطلاح برای مشخص کردن گرایش یک زوج به انحلال ازدواج دلالت دارد. بی‌ثباتی زناشویی همراه مفاهیمی مانند ازهم پاشیدگی زناشویی، گسستن روابط زناشویی و ترک کردن استفاده‌شده است. در تعریفی روشن‌تر از بی-ثباتی زناشویی می‌توان گفت که این اصطلاح برای مشخص کردن گرایش یک زوج به انحلال ازدواج اشاره دارد. بی‌ثباتی زناشویی در این تعریف دربرگیرنده سه حالت است که عبارت‌اند از: ۱- یک وضعیت

1. marital burnout
2. Perissutti & Barraca
3. Pines
4. Witaker & Kit

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

عاطفی (من چه احساسی درباره ازدواجم دارم؟)، ۲- نگرانی‌های شناختی رابطه (من چگونه به برآمد احساسم می‌اندیشم یا در پس احساس من چه اندیشه‌ای وجود دارد؟)، ۳- کنش‌های آشکار (به‌راستی پس از احساسم و اندیشه‌های متعاقب آن دست به چه‌کارهایی می‌زنم؟)(وایت، لو و لوین[1]، ۲۰۰۹). در تعریفی دیگر، مفهوم بی‌ثباتی ازدواج به‌عنوان گرایش زوج به طلاق اشاره دارد که این جستار دربرگیرنده دو حالت است: ۱- حالت شناختی و ۲- حالت رفتاری. بی‌ثباتی ازدواج از عوامل درون‌فردی و میان فردی متعددی نشئت می‌گیرد (جمشیدی، صاحب دل و شکوری، ۱۳۹۵). تشدید تعارض‌ها در اثر سرریز شدگی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش اختلاف زوج‌ها درنتیجه بی‌ثباتی زناشویی[2] گردد. بی‌ثباتی زناشویی، موقعیتی را نشان می‌دهد که زوج‌ها با داشتن دلیل یا دلایل خاصی تصمیم به طلاق می‌گیرند. این پدیده با فکر کردن فرد یا زوج درباره طلاق یا جدایی و با انجام اعمالی که به پایان ازدواج گرایش دارد، مشخص می‌شود. بی‌ثباتی ازدواج حالت‌های شناختی، رفتاری و هیجانی افراد را در ازدواج تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر نگرش افراد نسبت به ازدواج نیز تأثیرگذار است (موسوی، سماواتیان و نوری، ۱۳۹۷)؛ بنابراین با بروز تعارضات زناشویی و ایجاد فاصله میان زن و شوهر، هرکدام از زوج‌ها تلاش در جداسازی امور مختلف خود از دیگری را دارد؛ زیرا به دلیل عدم اعتماد به یکدیگر، زوج‌ها شروع به یک سری کارهای پنهانی از یکدیگر می‌کنند و درنتیجه در بسیاری از امور با یکدیگر به مشاجره می‌پردازند و درنتیجه بی‌ثباتی زناشویی را افزایش می‌دهند (مکاوند زاده و الهی، ۱۳۹۸). نتایج پژوهش ویلوبای (۲۰۱۴) با موضوع نقش باورهای زناشویی به‌عنوان یک مؤلفه عملکرد رابطه مثبت نشان داد که باورهای زناشویی به‌طور قابل‌توجهی با ادراکات افراد از رابطه سالم که در آن باورهای مثبت‌تر در مورد ازدواج به‌طور غیرمستقیم با ادراکات افراد از رضایت بیشتر و ثبات بیشتر در ارتباط بودند همراه بود. در پژوهشی توسط اصغری، صادقی، زارع خاک‌دوست و انتظاری (۱۳۹۴) نتایج حاکی از آن است که میزان بی‌ثباتی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق بیشتر از زوجین عادی بوده.

از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار در روابط ناسالم زوجین نارسایی شناختی است که به معنی شکست فرد در کامل کردن اموری است که انسان در حالت عادی قادر به انجام آن است (والاس، کاس و استانی[3]، ۲۰۰۲). طبق ساختار نارسایی‌های شناختی، انسان در حالت عادی توانایی انجام کار موردنظر خویش را دارد، اما مداخله یک کار دیگر یا یک عامل حواس‌پرتی، موجب ایجاد اشکال در عملکرد فرد می‌شود. علاوه بر این، نارسایی شناختی شامل نقص در حافظه کاری، پردازش دیداری-فضایی، روانی زبان و

1. Waite, Luo & Lewin
2. Marital Instability
3. Wallace, Kass & Stanny

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

یادگیری زبانی است (گلدمن و پاستوما[1]، ۲۰۱۴؛ ارنسلند[2]، ۲۰۱۵ نقل از کراولی و دیگران[3]، ۲۰۱۸). وظایف نواحی چندگانه ذهن، مانند کنش‌های شناختی و تعدیل تمایز سیستم‌های شناختی ازجمله توجه و حافظه، هم تحت تأثیر تنیدگی قرار می‌گیرد که به‌عنوان یک پاسخ انطباقی پیچیده در نظر گرفته‌شده است (بیرون، خازنچی و نظریان، ۲۰۱۰؛ هرمانز، هنکنز، جولز و فرناندز[4]، ۲۰۱۴؛ آرنستن[5]، ۲۰۱۵؛ شیلدز، سزما و یانلیناس[6]، ۲۰۱۶؛ اسکوب[7]، ۲۰۱۷؛ مارکو و ریسانسکی[8]، ۲۰۱۸). در تبیین زیستی تأثیر مشکلات زندگی ازجمله طلاق بر کنش‌های اجرایی توجه به این نکته لازم است که یکی از کنش‌های مهم شناختی که در قشر سینگولیت قدامی –یعنی قشر متأثر از تنیدگی- پردازش می‌شود، حافظه کاری است (کاندا و اوساکا[9]، ۲۰۰۸)، به این طریق عوامل تنیدگی‌زا این عملکردهای شناختی را در سیستم‌های حافظه انسان تغییر می‌دهند (هافمن و آل‌آبسای[10]، ۲۰۰۴). البته تنیدگی کدگذاری و تثبیت حافظه را، حداقل در مواقعی که مواد یادگیری دارای محتوای عاطفی است، تسهیل می‌کند، اما بازیابی حافظه بعد از تنیدگی مختل می‌شود (وولف[11]، ۲۰۰۹؛ اسکوب، وولف و اویتزل[12]، ۲۰۱۰). لذا، مطالعه حاضر به دنبال پاسخ این سؤال است:

آیا بی‌رمقی زناشویی، بی‌ثباتی زناشویی و نارسایی شناختی می‌توانند در پیش‌بینی میل به طلاق زوجین مؤثر باشند؟

روش

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری موردمطالعه در این پژوهش کلیه زنان و مردان متأهل و متارکه کرده شهر تبریز در سال ۱۳۹۸ است. تعداد کل این افراد با مراجعه به سازمان ثبت و احوال شهر گزارش گردید و ۱۲۰ نفر زن و ۱۲۰ نفر مرد برای نمونه جامعه موردنظر انتخاب شد. برای دسترسی به نمونه ابتدا جهت بلوک‌بندی به شهرداری شهر مراجعه شد. شهر تبریز به ۱۰ منطقه در شهرداری تقسیم می‌شود. بر این اساس از هر منطقه به‌طور تصادف ۵ خیابان انتخاب شد و با مراجعه به منازل افراد به

1. Goldman & Pastuma
2. Arnesland
3. Crowley, Nolan & Sullivan
4. Hermans, Henckens, Joëls & Fernández
5. Arnsten
6. Shields, Sazma & Yonelinas
7. Scob
8. Marco & Risanski
9. Kaneda & Osaka
10. Hoffman & Al'Absi
11. Wolf
12. Schwabe Wolf & Oitzl

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

روش نمونه‌گیری تصادفی نمونه‌ای به حجم ۲۴۰ نفر انتخاب گردید. ملاک‌های انتخاب شامل: گذشت حداقل یک سال از ازدواج، یا زیر ۴ سال متارکه کرده هر دو جنس و حداقل تحصیلات دیپلم است و ملاک‌های عدم شمول شامل ابتلای یکی از زوجین یا هر دو به مشکلات شدید روانی و جسمی بوده است.

ابزارها

مقیاس بی‌رمقی زناشویی (CBM): این پرسشنامه دارای ۲۰ سؤال بوده و هدف آن ارزیابی ابعاد رفتار شهروندی افراد (نوع‌دوستی، وظیفه‌شناسی، جوانمردی، ادب و مهربانی، فضیلت مدنی) است. این مقیاس توسط پاینز (۱۹۹۶) ابداع گردید (پاینز و نانز ۲۰۰۳؛ لائس و لائس، ۲۰۰۱) که شامل ۳ جزء اصلی خستگی جسمی (مثلاً احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب) از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) است تمام این موارد روی یک مقیاس لیکرت هفت امتیازی پاسخ داده می‌شوند. سطح ۱ معرف عدم تجربه عبارت موردنظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد عبارت موردنظر (پاینز، ۱۹۹۶؛ شاداب، ۱۳۸۶) است. ارزیابی ضریب اعتبار مقیاس بی‌رمقی زناشویی نشان داد که آن دارای یک همسانی درونی بین متغیرها در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است.

پرسشنامه بی‌ثباتی ازدواج[1] (MLL): پرسشنامه شاخص بی‌ثباتی ازدواج در سال ۱۹۸۷ توسط جان ان. ادواردز، دیوید آر. جانسون و آلن بوث تهیه و تنظیم‌شده است. این شاخص یک ابزار ۱۴ سؤالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات زناشویی تدوین‌شده است که در مقیاس لیکرت است. نمره‌گذاری مقیاس از هرگز (۱) تا خیلی (۴) است. نمره ۱۴ تا ۲۸ نشانگر میزان بی‌ثباتی ازدواج در فرد پایین، نمره بین ۲۸ تا ۴۲ نشانگر متوسط و نمره ۴۲ تا ۵۶ بالا ارزیابی می‌شود. روایی این مقیاس در پژوهش‌های متعددی موردسنجش و تأیید قرارگرفته است و همبستگی مثبت آن با مقیاس‌های مربوط به مشکلات زناشویی و همبستگی منفی آن با مقیاس‌های مربوط به تعامل و خرسندی زناشویی مورد تأیید قرارگرفته است. پایایی این مقیاس هم با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش‌شده است. یاری پور (۱۳۷۹)، از روش همبستگی بین دونیمه برای ارزیابی قابلیت اعتبار آزمون استفاده کرد و ضریب اعتبار ۰/۷۰ گزارش شد.

1. Marrital Instability Index

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

پرسشنامه نارسایی‌های شناختی: این پرسشنامه را برادبنت، کوپر، فیتزجرالد و پارکز[1] (۱۹۸۲) تهیه کرده‌اند که شامل ۲۵ ماده در ۴ خرده مقیاس حواس‌پرتی، مشکلات مربوط به حافظه، اشتباهات سهوی و عدم یادآوری اسامی (فراموشی) است. پاسخ به هر ماده در یک مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای از «هرگز» تا «همیشه» است و نمره بالاتر نشان‌دهنده نارسایی‌های شناختی بیشتر است. مکاسی و ریگی[2] (۲۰۰۶) ضریب آلفای کرونباخ را برای نمره کل مقیاس ۰/۸۱ گزارش کردند. والاس (۲۰۰۴) در بررسی خود ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برابر ۰/۹۱ و ضریب همسانی درونی ۰/۹۴ و مقدار اعتبار باز آزمایی را برابر ۰/۸۲ گزارش کرد.

پرسشنامه میل به طلاق: پرسشنامه میل به طلاق توسط روزلت، جانسون و مورو در سال ۱۹۸۶ تهیه گردید. این پرسشنامه در مقیاس لیکرت و دارای ۱۴ سؤال است. پرسشنامه دارای دو بُعد و هر بعد ۷ سؤال دارد. بُعد تمایل برای خارج شدن (متمایل به طلاق) سؤالات ۱ تا ۷ و بُعد مسامحه سؤالات ۸ تا ۱۴. نمره‌گذاری پرسشنامه از ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) است. حداقل امتیاز ممکن ۱۴ و حداکثر امتیاز ۹۸ خواهد بود. برای تعیین پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده‌شده است. پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای بُعد خارج شدن (متمایل به طلاق) ۰/۹۱ و برای بُعد مسامحه ۰/۸۶ گزارش‌شده است.

شیوه اجرای پژوهش

در ابتدا برای جمع‌آوری داده‌ها به‌طور تصادفی ۵ خیابان انتخاب شد و با مراجعه به منازل افراد، هدف از انجام پژوهش برای یکی از زوجینی که تمایل به همکاری داشت توضیح داده شد تا برای انجام پژوهش همکاری‌های لازم به عمل آید. قبل از اجرای پرسش‌نامه‌ها، کسب رضایت زوجین با بیان توضیحاتی درباره محرمانه ماندن، عدم ذکر نام و ملاک‌های ۷، ۸ و ۹ منشور اخلاق در پژوهش به دست آمد. سپس پرسش‌نامه‌های پژوهش در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت، در ضمن پژوهشگر از شرکت‌کننده درخواست می‌کرد که اگر پرسش نامفهومی وجود دارد قبل از تحویل دادن پرسش‌نامه آن را مطرح و پاسخ آن را از پژوهشگر دریافت کنند؛ و درنهایت جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌های این پژوهش از ابزارهای آمار توصیفی چون میانگین، انحراف معیار و فراوانی و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و نرم‌افزار spss نسخه ۲۴ استفاده شد.

1. Broadbent, Cooper, Fitzgerald & Parkes
2. Macasi &Reigi

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش در سه بخش اطلاعات جمعیت شناختی آزمودنی‌ها، یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها به شرح زیر ارائه‌شده است. از بین آزمودنی‌های پژوهش، ۱۲۰ نفر زن (۵۰ درصد)، ۱۲۰ نفر مرد (۵۰ درصد)، همچنین ۱۴۸ نفر (۶۱/۷ درصد) متأهل، ۹۲ نفر (۳۸/۳ درصد) متارکه کرده بودند.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌ها در مقیاس بی‌رمقی زناشویی، بی‌ثباتی زناشویی، نارسایی شناختی و طلاق

متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
بی‌رمقی زناشویی		۳/۴۵	۰/۷۴
بی‌ثباتی زناشویی		۳۲/۱۳	۱۰/۲۵
نارسایی شناختی	حواس‌پرتی	۱۸/۶۵	۷/۸۱
	مشکلات در حافظه	۱۴/۰۳	۶/۴۳
	اشتباهات سهوی	۱۱/۴۱	۵/۵۶
	عدم یادآوری اسامی	۳/۷۷	۱/۹۵
	کل	۴۷/۸۷	۲۰/۳۶
طلاق	متمایل به طلاق	۳۰/۹۵	۱۳/۰۶
	متمایل به مسامحه	۲۵/۶۰	۶/۷۱
	کل	۵۶/۵۵	۱۹/۲۵

جدول ۲. ضرایب همبستگی طلاق، بی‌رمقی زناشویی، بی‌ثباتی زناشویی و نارسایی شناختی و مؤلفه‌های آن‌ها

متغیر	بی‌رمقی زناشویی	بی‌ثباتی زناشویی	حواس‌پرتی	مشکل در حافظه	اشتباه سهوی	عدم یادآوری اسامی	نارسایی شناختی	متمایل به طلاق	متمایل به مسامحه	طلاق
بی‌رمقی زناشویی	۱									
بی‌ثباتی زناشویی	۰/۷۱**	۱								
حواس‌پرتی	۰/۰۱	۰/۱۳	۱							
مشکل در حافظه	۰۰۰	۰/۰۸	۰/۸۰**	۱						
اشتباه سهوی	-۰/۰۱	۰/۰۸	۰/۸۴**	۰/۸۳**	۱					
عدم یادآوری اسامی	-۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۸۰**	۰/۸۰**	۰/۸۱**	۱				
نارسایی شناختی	-۰/۰۰۶	۰/۱۱	۰/۹۴**	۰/۹۳**	۰/۹۴**	۰/۸۸**	۱			
متمایل به طلاق	۰/۹۰**	۰/۸۱**	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	-۰/۰۱	۰/۰۲	۱		
متمایل به مسامحه	۰/۷۲**	۰/۶۸**	-۰/۰۰۹	-۰/۰۱	-۰/۰۲	-۰/۰۷	-۰/۰۲	۰/۸۸**	۱	
طلاق	۰/۸۶**	۰/۷۹**	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۰	-۰/۰۳	۰/۰۰۶	۰/۹۸**	۰/۹۴**	۱

**P<0/01

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین طلاق و بی‌رمقی زناشویی (P<۰/۰۱؛ r=۰/۸۶) و بین طلاق و بی‌ثباتی زناشویی (P<۰/۰۱؛ r=۰/۷۹) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، ولی بین طلاق و نارسایی شناختی (P<۰/۰۱؛ r=۰/۰۰۶) رابطه‌ای برقرار نیست.

جدول ۳. نتایج تحلیل ضرایب رگرسیون طلاق بر اساس متغیر بی‌رمقی زناشویی

متغیرملاک	متغیرهای پیش‌بین	R	R^2	F	B	SEB	β	t	VIF
طلاق	بی‌رمقی زناشویی	۰/۸۶	۰/۷۴	۷۱۱/۷۲	۲۲/۵۰	۱/۰۸	۰/۸۶	۲۶/۶۷	۱

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد ۳۸ درصد از کل واریانس طلاق به وسیله بی‌رمقی زناشویی تبیین می‌شود. نتایج آزمون آنوا نشان‌گر معنی‌داری مدل رگرسیون است (F=۷۱۱/۷۲؛ p<۰/۰۱). نتایج ضریب رگرسیون نیز نشان می‌دهد بی‌رمقی زناشویی (t=۲۶/۶۷؛ p<۰/۰۱) می‌تواند طلاق را پیش‌بینی کند.

جدول ٤. نتایج تحلیل ضرایب رگرسیون طلاق بر اساس متغیر بی‌ثباتی زناشویی

متغیرملاک	متغیرهای پیش‌بین	R	R^2	F	B	SEB	β	t	VIF
طلاق	بی‌ثباتی زناشویی	۰/۷۹	۰/۶۲	۳۹۵/۷۲	۱/۴۳	۰/۱	۰/۷۹	۱۹/۸۹	۱

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد ۱۹ درصد از کل واریانس طلاق به وسیله بی‌ثباتی زناشویی تبیین می‌شود. نتایج آزمون آنوا نشان‌گر معنی‌داری مدل رگرسیون است (F=۳۹۵/۷۲؛ p<۰/۰۱). نتایج ضریب رگرسیون نیز نشان می‌دهد بی‌ثباتی زناشویی (t=۱۹/۸۹؛ p<۰/۰۱) می‌تواند طلاق را پیش‌بینی کند.

جدول ۵. نتایج تحلیل ضرایب رگرسیون طلاق بر اساس نارسایی شناختی

متغیرملاک	متغیرهای پیش‌بین	مؤلفه‌ها	R	R^2	F	Sig	B	SEB	β	t	sig	VIF
			۰/۰۸	۰/۰۰۸	۰/۴۱	۰/۹۲						
طلاق	نارسایی شناختی	حواس‌پرتی					۰/۱۹	۰/۳۳	۰/۰۸	۰/۶۰	۰/۵۴	۴/۲۴
		مشکل در حافظه					۰/۱۶	۰/۳۹	۰/۰۵	۰/۴۲	۰/۶۷	۴/۱۲
		اشتباه سهوی					۰/۰۸	۰/۵۰	۰/۰۲	۰/۱۶	۰/۸۶	۴/۹۵
		عدم یادآوری					-۱/۵۸	۱/۲۸	-۰/۱۶	-۱/۲۴	۰/۲۱	۴/۰۰
		کل					۰/۰۰۷	۰/۰۶	۰/۰۰۸	۰/۱۱	۰/۹۰	۱

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد طلاق به وسیله نارسایی شناختی تبیین نمی‌شود. نتایج آزمون آنوا نشان‌گر معنی‌دار نبودن مدل رگرسیون است (F=۰/۴۱؛ p<۰/۰۱). نتایج ضریب رگرسیون نیز نشان می‌دهد نارسایی شناختی (t=۰/۱۱؛ p<۰/۰۱) نمی‌تواند طلاق را پیش‌بینی کند.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه ذکر شد هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی طلاق بر اساس مؤلفه‌های بی‌رمقی زناشویی، بی‌ثباتی زناشویی و نارسایی شناختی بود. از نتایج جدول همبستگی برآورد می‌شود که بین بی‌رمقی زناشویی و بی‌ثباتی زناشویی با طلاق رابطه مثبت معناداری وجود دارد و با توجه به مقادیر ضرایب رگرسیون، بی‌رمقی زناشویی و بی‌ثباتی زناشویی می‌توانند پیش‌بینی کننده قوی‌ای برای طلاق باشند. این پژوهش با پژوهش‌های ابهر زنجانی، دستجردی و غنی فر (۱۳۹۱)، عسگری و گودرزی (۱۳۹۷)، کیانی، اسدی شیشه‌گران، اسماعیلی قاضی ولویی و زوار (۱۳۹۴)، موسوی (۱۳۹۳) و اصغری، صادقی، زارع خاک‌دوست و انتظاری (۱۳۹۴) همخوان است. هنگامی جامعه‌ی سالم و متعادلی خواهیم داشت که افراد بتوانند با برخورداری از سلامت روان در عرصه‌های اجتماعی به فعالیت بپردازند. انکار نابسامانی‌های روانی جامعه کمکی به رفع آن‌ها نمی‌کند. هرگونه رابطه میان زن و مرد که به‌منظور جفت‌یابی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، کوچک‌ترین جزء اجتماع را تشکیل می‌دهند که به آن خانواده می‌گویند. همسرگزینی و جفت‌یابی پدیده‌ای غریزی است که در میان همه‌ی جانداران اتفاق می‌افتد و عامل بقا و ادامه نسل است؛ اما در هر یک از موجودات، شکل و نوع این رابطه تفاوت دارد. همسرگزینی یا شکل‌گیری رابطه زناشویی میان انسان‌ها بسیار متفاوت است و صرفاً به‌منظور تولیدمثل نیست، بلکه شکل این رابطه در میان آدمیان از نوع عالی‌تر و هدف آن پاسخ دادن به نیازهای درونی و روانی افراد است؛ و همین امر آن‌ها را به‌سوی هم جلب می‌کند. در حقیقت همه‌ی ما می‌خواهیم از زندگی خود بیشترین لذت و بهره را ببریم. ازدواج کردن یکی از راه‌هایی است که می‌تواند به بسیاری از نیازهای فردی و غریزی ما پاسخ دهد؛ بنابراین افراد با انتخاب همسر و ایجاد ارتباط زناشویی می‌توانند به بخشی از نیازهای درونی خود پاسخ مناسب دهند، در حقیقت ازدواج و همسرگزینی یکی از راه‌های ارضای نیازهای فردی است. زناشویی موفق فرایندی است که طی آن زن و شوهر از مرزهای ظاهری زناشویی می‌گذرند و برای رابطه‌ی خود حریم می‌سازند. حریم زناشویی متأسفانه و در کمال ناباوری برای بسیاری از افراد ناشناخته است و کمتر به آن توجه می‌شود، درنتیجه برخی از افراد تعریف درستی از این حریم ندارند. عدم آشنایی با این تعریف و عدم رعایت این حریم، در جامعه‌ی ما به دلایل متعدد، بیش‌تر از جوامع غربی است، درواقع زنان و مردان گمان می‌کنند ثبت شدن نام آن‌ها در شناسنامه‌ی دیگری کافی است و می‌پندارند که صرفاً رعایت همین امر، برای تداوم یک زناشویی

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

موفق کفایت می‌کند. تشکیل حریم زناشویی منوط به رعایت قوانین این حریم از سوی زن و مرد است، اما برقراری هرگونه رابطه بین آن‌ها الزاماً به معنای تأیید وجود روابط زناشویی بین زن و مرد نیست. درواقع حریم زناشویی بین افرادی شکل نمی‌گیرد که صرفاً با یکدیگر رابطه جنسی دارند، زیرا در یک رابطه‌ی صرفاً جنسی ممکن است افراد تعهدی به هم نداشته باشند و هر دو طرف فقط به دنبال کسب منافع و ارضای نیازهای خود باشند. هر فردی ابتدا و در شکل طبیعی‌اش روابط زناشویی خود را با عشق و علاقه شروع می‌کند و حدس و گمان‌های اولیه‌ی او نیز، حفظ و تداوم این رابطه است؛ اما گاهی پس از مدتی ممکن است زن یا شوهر یا هردوی آن‌ها نسبت به عشق و شکل روابطشان دچار تردید و بی‌رمقی شوند. بروز بی‌رمقی یک پدیده تدریجی است که در آن صمیمیت و عشق رنگ می‌بازد. بدین گونه یک رابطه زناشویی مناسب که در سال‌های اولیه پیوند زوج در تقویت و تحکیم حریم زناشویی نقش محوری داشت کم‌کم به یک عمل تکراری و تکلیف گونه تبدیل می‌شود که بدون مغازله و معاشقه و فقط حکم یک عمل جنسی صرف تبدیل می‌شود که نتیجه‌ی آن عادت و بی‌رمقی روانی دو طرف و درنهایت در بیشتر موارد منجر به طلاق می‌گردد.

برخی افراد در طول زندگی زناشویی به‌مرور از هم فاصله می‌گیرند و به‌اصطلاح روزی متوجه می‌شوند که دیگر همسرشان را مثل سابق دوست ندارند. دور شدن و فاصله گرفتن تدریجی از یکدیگر دلایل مختلفی دارد: اشتغال شدید به کار و فعالیت، داشتن فرزندان زیاد، داشتن فرزندی معلول یا بیمار، بیماری یکی از طرفین، احساس آزردگی و خشم نسبت به همسر و احساس ناکامی در ازدواج ازجمله این موارد هستند. جدایی تدریجی به طلاق عاطفی منجر می‌شود به‌طوری‌که دو نفر به‌تدریج نسبت به هم بی‌علاقه و از هم دور می‌شوند و در درون خود احساس می‌کنند که به همسرشان دل‌بستگی ندارند. در این حالت، بروز بحران، حتی بحران‌های کوچک، می‌تواند افراد را به سمت طلاق سوق دهد.

عوامل زیادی در بروز طلاق سهیم هستند، برخی از آن‌ها بیرونی هستند مانند عوامل اجتماعی، مشکلات و بیماری‌های همسر، دخالت دیگران، بحران‌های زندگی و ... برخی دیگر درونی هستند مانند مزاج، خصوصیات شخصیتی، ابتلا به بیماری‌های طبی و روان‌پزشکی و باورهای اشتباه و ... به‌علاوه نقش مهم عوامل جمعیت شناختی در بروز طلاق را نمی‌توان نادیده گرفت. به‌ندرت ممکن

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

است یکی از این عوامل به‌تنهایی به طلاق منجر شود، اما در غالب موارد، چند عامل دست‌به‌دست هم می‌دهند و به طلاق می‌انجامند. ازاین‌رو متخصصان حوزه خانواده می‌بایست از عواملی که بر کیفیت رابطه زن و شوهر تأثیر می‌گذارد و باعث تقلیل رابطه و ثبات زناشویی و همچنین باعث بی‌رمقی زناشویی می‌شود جلوگیری و از نتایج به‌دست‌آمده در کارگاه‌های آموزشی و برای غنی‌سازی روابط بین فردی همسران و جهت کاهش طلاق استفاده کنند.

محدودیت‌ها و پیشنهادها. از محدودیت‌های پژوهش حاضر استفاده از پرسشنامه به‌عنوان تنها ابزار برای جمع‌آوری اطلاعات بوده است و اینکه پژوهش حاضر را افراد با سطح تحصیلات در مقطع بالای دیپلم و در جمعیت شهری اجرا گردید و در بین افراد روستایی و همچنین کسانی که سواد خواندن و نوشتن نداشتند اجرا نگردیده است. پیشنهاد می‌گردد نهادهایی نظیر مدارس، دانشگاه‌ها، انجمن‌های غیردولتی و رسانه‌های جمعی که در فرهنگ‌سازی جوامع نقش دارند اصول اولیه و مهم ایجاد و حفظ حریم زناشویی را به افراد جامعه آموزش دهند و همچنین پیشنهاد می‌گردد این پژوهش با استفاده از ابزارهای مستقیمی نظیر مصاحبه و مشاهده بالینی صورت بگیرد، شاید بتوان با استفاده از این ابزارها به نتایج مختلف و جدیدی رسید و سوگیری در پاسخ‌دهی کاهش یابد، همچنین جهت افزایش گستره‌ی تعمیم‌پذیری این پژوهش در حجم وسیع‌تر و نیز در بین سایر اقشار جامعه، یافته‌ها و نواحی دیگر با فرهنگ‌های متفاوت تکرار گردد.

سپاسگزاری و قدردانی. در پایان از کلیه شهروندان مناطق ۱۰ گانه کلان‌شهر تبریز که در این پژوهش ما را یاری رساندند کمال تشکر و امتنان را داریم.

منابع

ابهر زنجانی، فرناز، دستجردی، رضا و غنی فر، محمدحسن. (۱۳۹۱). الگوی دل‌زدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق در ارتباط با باورهای ارتباطی، روانشناسی معاصر، ویژه‌نامه، ۷:۱۲-۹.

اصغری، فرهاد، صادقی، عباس، زارع خاک‌دوست، سمیه و انتظاری، مرجان. (۱۳۹۴). بررسی روابط بین طرح‌واره‌های ناسازگار با تعارض زناشویی و بی‌ثباتی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی، فصلنامه آسیب‌شناسی مشاوره و غنی‌سازی خانواده، (۱)۱، ۵۸-۴۲.

افراسیابی، حسین؛ دهقانی دارامرود، رقیه. (۱۳۹۶). بازنمایی خانواده نابسامان از نگاه زنان درگیر طلاق در شهر یزد، مجله علمی-پژوهشی وزارت علوم، شماره ۱۰: ۲۱۱-۲۳۰.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

ثنایی، باقر و همکاران، مقیاس سنجش خانواده و ازدواج، انتشارات بعثت ۱۳۸۷.
جمشیدی، علیرضا؛ صاحب دل، حسین و شکوری، زینب. (۱۳۹۵). باورهای ارتباطی و تراز بی‌ثباتی پیوند زناشویی در زنان و مردان متأهل، مجله آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، ۲(۴): صص: ۱۳-۱.
حاجی‌زاده میمندی، مسعود؛ مداحی، جواد؛ کریمی، یزدان؛ حدت، الهه و غروری، ملینا، (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال هجدهم، شماره ۷۱.
سرمد، زهره؛ حجازی، الهه و عباس بازرگان. (۱۳۹۰) روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگه.
عسگری، امین و گودرزی، کورش. (۱۳۹۷). اثربخشی طرحواره درمانی هیجانی بر دل‌زدگی زناشویی زوجین در آستانه طلاق، مجله علمی-پژوهشی مطالعات ناتوانی، شماره هشتم، دوره ۵۵.
قادرپور، محی الدین. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی مشاوره ی گروهی مبتنی بر رویکرد ارتباطی ستیر بر فرسودگی زناشویی و میل به طلاق زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کردستان. دانشکده ی علوم انسانی و اجتماعی.
کیانی، احمدرضا، اسدی شیشه‌گران، اسماعیلی قاضی ولویی، فریبا و زوار، مجید. (۱۳۹۴). پیش‌بینی دل‌زدگی زناشویی بر اساس ابرازگری هیجانی، اسنادهای زناشویی در افراد متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهزیستی شهر اردبیل، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های مشاوره، شماره ۵۹، دوره ۱۵، ص ۵۸-۷۵.
محمدنظری، علی؛ صاحب دل، حسین و اسدی، مسعود. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین سبک‌های دل‌بستگی و میزان بی‌ثباتی در زنان و مردان متأهل.
موسوی، سید فاطمه. (۱۳۹۳). نقش متغیرهای زمینه‌ای در تهدید ثبات ازدواج زنان و مردان متأهل شهر قزوین، فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، سال نهم، شماره ۲۹.
موسوی، محمد؛ سماواتیان، حسین و نوری، ابوالقاسم. (۱۳۹۷). اثربخشی همزمان کیفیت بخشی زندگی کاری و غنی‌سازی زندگی زناشویی بر تعارضات زناشویی و بی‌ثباتی زناشویی در زوج‌های دوسر شاغل، مجله دست‌آوردهای روانشناختی، ۲۵، ۲: ۲۰-۱.

References

Arnsten, A. F. (2015). Stress weakens prefrontal networks: Molecular insults to higher cognition. Nature Neuroscience, 18(10), 1376-1385.
Byron, K., Khazanchi, S., & Nazarian, D. (2010). The relationship between stressors and creativity: A meta-analysis examining competing theoretical models. Journal of Applied Psychology, 95(1), 201-212.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

Hermans, E. J., Henckens, M. J., Joëls, M., & Fernández, G. (2014). Dynamic adaptation of large-scale brain networks in response to acute mediates the impairment of cognitive flexibility under stress. Cognition, 174, 94-102.

Hoffman, R., & Al'Absi, M. (2004). The Effect of Acute Stress on Subsequent Neuropsychological Test Performance. Archives of Clinical Neuropsychology, 19, 497-506.

Kaneda, M., & Osaka, N. (2008). Role of anterior cingulate cortex during semantic coding in verbal working memory. Neuroscience Letters, 436 (1), 57- 61.

Marko, M., & Riečanský, R. (2018). Sympathetic arousal, but not disturbed executive functioning, memory tasks requiring executive functions in healthy young men. Behavioral Neuroscience, 123(5), 1066-1075.

Pines, A. (1996). What can we do to make a dream come true? Translation: Shadab, F. (2015). Tehran: Qoqnos Publishing. [Persian]

Pirfalak, M. Sodani, M. & Shafiabadi A. (2014). The Effectiveness of Cognitive-Behavioral Group Couples Therapy (GCBCT) on reducing marital distress. Quarterly Journal of Family Counseling and Psychotherapy, 4(2): 247-267. [Persian]

Pooresmaeili, A. (2015). Explaining marital distress in couples applying for divorce in accordance with the conceptual model of stress and adaptation vulnerability. PhD thesis. Faculty of Psychology and Educational Sciences. Mohaghegh Ardabili University. Ardabil. [Persian]

Schwabe, L. (2017). Memory under stress: From single systems to network changes. European Journal of Neuroscience, 45(4), 478-489.

Schwabe, L., Wolf, O. T., & Oitzl, M. S. (2010). Memory Formation under Stress: Quantity and Quality. Neuroscience & Biobehavioral Reviews, 34 (4), 584-591.

Shields, G. S., Sazma, M. A., & Yonelinas, A. P. (2016). The effects of acute stress on core executive functions: A meta-analysis and comparison with cortisol. Neuroscience & Biobehavioral Reviews, 68, 651-668.

Waite, L.J., Luo, Y., & Lewi, A. C. (2009). Marital happiness and marital stability: Consequences for psychological well-being. Social Science Research, 38, 201-212. Doi:10.1016/j.ssresearch.2008.07.001.

Wallace, J. C., Kass, S. J., & Stanny, C. J. (2002). The cognitive failures questionnaire revisited: dimensions and correlates. Journal of General Psychology, 129(3), 238-256.

Willoughby, B. J., Carroll, J. S., & Busb, D. M. (2014). The effects of "Living together": Determining and comparing types of cohabiting couples. Journal of Social and Personal Relationships, 29, 397-419.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

Wolf, O. T. (2009). Stress and Memory in Humans: Twelve Years of Progress? Brain Research, 1293, 142-154.

References (In Persian)

Abhar Zanjani F, Dastjerdi R, Ghanifar M. Pattern of Marital Despair for Divorce Applicants in Relationship Beliefs. Moaser Psychology. (2013). P. 9-12. (In Persian)

Afrasiabi H, Dehghani R. Disordered Family Representation from the Viewpoint of Divorced Women in Yazd City. Ministry of Science and Research. (2018). P. 211-230. (In Persian)

Asgari A, Goodarzi K. The effectiveness of Emotional Schema Therapy on marital burnout on the Brink of Divorce. mejds. 2018; 8:55-55 (In Persian)

Asghari F, Sadeghi A, Khakdoost S Z, Entezari M. Investigating the Relationship Between Early Maladaptive Schemas with Marital Conflict and Instability in the Couples of Applicant of Divorce and Normal Couples. FPCEJ. 2015; 1 (1):46-58 (In Persian)

Ghaderpoor M. The Effectiveness of Group Counseling Based on Satir's Communication Approach on Marital Burnout and Divorce in Couples Referred to Counseling Centers, MSc Thesis. The University of Kordestan. Faculty of Humanities and Social Sciences. (2015) (In Persian)

Hajizadeh meimandi M, Maddahi J, Karimi Y, Heddat E, Ghorori M. Social Factors Related to Emotional Divorce, Journal of the Social and Cultural Council of Women and the Family. 71 (In Persian)

jamshidi A, Sahebdel H, Shakory Z. Communicational beliefs and degree of marriage instability among the female and male married. FPCEJ. 2017; 2 (2):1-14 (In Persian)

kiani Chalmari A, Asadi S, Esmaeili F, Zavar M. Prediction of marital burnout based on emotional expressivness and marital attributions in married people referring to the welfare organization in Ardabil. Journal of counseling research. 2016; 15 (59):58-75. (In Persian)

Mohammad nazari A, Sahebdel H, Asadi M. The relationship between attachment styles and the degree of instability in married men and women. (In Persian)

Mousavi M, Samavatian H, Noori A. The Effect of Simultaneous Quality of Work Life Enrichment and Marital Life Enrichment on Marital Conflicts and Marital Instability in Working Couples, Journal of Psychological Achievements 25(2). P. 1-20. (In Persian)

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]

Mousavi SF. The Role of Contextual Variables in Threat to Marriage Stability of Married Men and Women in Qazvin, Quarterly Journal of Women and Family 29. (In Persian)

Sanaei B. et all. Family and Marriage Measurement Scale, Besat Publications, 2009

Sarmad Z, Bazargan A, Hejazi E. Research Methods in Behavioral Sciences. Aghah Publication. (In Persian)

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3]